

۹۷۱ تهریه
تیکان

نحوی قانون

کتاب دوم (پیش از آنکه به دار آوینته شوند)

نہ سندھ: جو آئے کہاں

مترجم: سعید سیمرغ

三

1



200 100

کتابسرای ندیس

یکسان گر بزرگ

لعنت بر مه! مه وارد چشم می‌شود و نمی‌شود بیش از چند گام جلوتر را دید.
وارد گوش می‌شود و دیگر هیچ صدایی شنیده نمی‌شود. اگر هم شنیده شود،
نمی‌توان گفت که از کدام سو می‌آید. وارد بینی می‌شود و دیگر بویی به جز بوی
نم به مشام نمی‌رسد.

لعنت بر مه! مه نفرین دیدبان‌ها است.

آن‌ها چند روز پیش از وايتفلو گذشته بودند، از سرزمین شمالی بیرون آمده و
وارد قلمرو آنگلند شده بودند. داگمن در تمام طول راه نگران و عصبی بود و در
یک سرزمین غریب و در میانه‌ی جنگی که ربطی به آن‌ها نداشت، دیدبانی می‌داد
و منطقه را شناسایی می‌کرد. همه‌ی اعضای گروه هم نگران بودند و زود
خشمگین می‌شدند. به‌جز تری تریز، هیچ کدامشان تاکنون پا از سرزمین شمالی
بیرون نگذاشته بودند. البته نمی‌توانست در مورد هاردینگ گوشت‌تلخ مطمئن
باشد. او هیچ وقت درباره‌ی جاهایی که رفته بود حرف نمی‌زد.

آن‌ها از کنار چند مزرعه گذشتند که سوخته و خاکستر شده بود. همین‌طور
یک دهکده‌ی خالی از جمعیت. دهکده‌ای متعلق به سرزمین‌های متعدد، با
ساختمان‌هایی بزرگ و چهارگوش. ردپای مردم و اسبها را می‌دیدند. کلی ردپا
آنجا بود، ولی از خود مردم اثری نبود. داگمن می‌دانست که بتهدود زیاد از آنجا دور